

تفاوت طرز فکر رشد یافته با دیدگاه ذهنیت محدود

کارول دوک، تفاوت‌های بین دو طرز فکر رشد یافته و محدود را مورد بررسی قرار داده و معتقد است: «افراد دارای طرز فکر رشد یافته بر این باورند که توانایی‌هایشان قابلیت رشد یافتن دارند. آنها با مشکلاتشان درگیر می‌شوند، اشتباهاتشان را بررسی کرده و از اشتباهات خود درس می‌گیرند و آنها را اصلاح می‌کنند. اما افراد با ذهنیت محدود، وقتی با مشکلی روبرو می‌شوند فکر می‌کنند که این مشکل تراژدیک و فاجعه بار است؛ به همین دلیل آنها به دنبال راهی برای فرار از سختی‌ها هستند.»

درک سیورز (Derek Sivers) نیز، با الهام از گفته‌های کارول دوک، تفاوت‌هایی را برای دو دیدگاه رشد یافته و ذهنیت محدود بیان کرده است. به اعتقاد او:

افراد با ذهنیت محدود معتقدند که توانایی‌های انسان بر اساس فطرت و طبیعت او شکل می‌گیرد پس هر کسی نمی‌تواند در هر زمینه‌ای که می‌خواهد خوب عمل کرده و پیشرفت کند.

افراد با طرز فکر رشد یافته بر این باورند که توانایی‌های هر فرد بستگی به نوع عملکرد او دارد و هر شخصی می‌تواند در هر زمینه‌ای که مایل است، رشد و پیشرفت کند.

افراد با ذهنیت محدود معتقدند که «او خواننده به دنیا آمده است»

افراد با طرز فکر رشد یافته بر این باورند که هر کسی می‌تواند در هر کاری که تمایل دارد خوب عمل کند و حرفه‌ای شود. کسب مهارت‌های ما بستگی به میزان تمریناتمان دارد نه طبیعت و غریزه‌ی ما.

افراد با ذهنیت محدود تمایل دارند تا کاستی‌ها و عیب‌های خود را پنهان کنند تا مبادا مورد قضاوت دیگران قرار بگیرند یا برچسب شکست و عدم موفقیت بخورند.

افراد با طرز فکر رشد یافته لیستی از عیب‌ها و نقص‌های خود تهیه می‌کنند تا به مرور زمان بتوانند آنها را برطرف کرده و در مسیر بهبود شخصی خود تلاش می‌کنند.

افراد با ذهنیت محدود به آنچه می‌دانند و از قبل آموخته‌اند بسنده می‌کنند تا از طریق آن بتوانند اعتماد به نفس خود را حفظ کنند.

افراد با طرز فکر رشد یافته، اعتماد به نفس خود را حفظ می‌کنند تا با آن بتوانند با ناشناخته‌ها آشنا شوند و همواره در حال یادگیری هستند.

افراد با ذهنیت محدود برای یافتن علاقه واقعی و هدف خود تنها به نگاه کردن در درون خود اکتفا می‌کنند و به دنبال یافتن یک چیز ذاتی پنهان هستند.

افراد با طرز فکر رشد یافته صرفنظر از طبیعت خود، به دنبال آموختن مهارت‌های ارزشمند هستند. آنها آگاه هستند که ما زمانی می‌توانیم به اهداف خود دست پیدا کنیم که خوب کار کنیم و در زمینه‌ی مورد علاقه خود، به کسب تخصص و تجربه بپردازیم.

افراد با ذهنیت محدود معتقدند که هویت ما توسط شکست‌هایمان تعریف می‌شود.

افراد با طرز فکر رشد یافته بر این باور است که شکست‌ها فقط موانعی موقتی هستند. همین و بس!

افراد با ذهنیت محدود معتقدند که برای ایجاد یک رابطه عاشقانه، باید تمامی نظراتمان را با یکدیگر به اشتراک گذاشته و منتظر بمانیم تا به طور طبیعی این رابطه شکل بگیرد.

افراد با طرز فکر رشد یافته به دنبال ایجاد یک رابطه پایدار هستند و برای ایجاد چنین رابطه‌ای با در نظر گرفتن تمامی تفاوت‌های اجتناب ناپذیر یکدیگر، به شدت تلاش می‌کنند.

افراد با ذهنیت محدود همه چیز را محدود به کسب نتیجه می‌دانند؛ به همین دلیل وقتی با شکست مواجه می‌شوند، ناامید شده و همه‌ی تلاش‌هایشان را بیهوده قلمداد می‌کنند.

آنچه برای افراد با طرز فکر رشد یافته مهم است فرایند است نه نتیجه. به همین دلیل هرگز ناامیدی به سراغ چنین افرادی نخواهد آمد.

امیدوارم شما هم جز افرادی باشید که معتقد هستید می‌توانید ذهنیت خود را تغییر دهید و وضعیت زندگی و شغلی خود را بهبود ببخشید.